

بررسی مسئله خلاقیت و راهکارهای کاربردی آن در تعلیم و تربیت

محمد عالم احمدزاده^۱

صغری آخوندزاده^۲

چکیده

با توجه به کمبود امکانات در آموزش و پرورش، نقش معلمان در به وجود آوردن خلاقیت هم در نحوه تدریس خودشان و هم در آموزش خلاقیت برای شاگردان بسیار مهم است؛ زیرا این معلمان هستند که می‌توانند حتی کمبود امکانات آموزشی و پرورشی را هم جبران کنند. بر این اساس هدف این پژوهش بررسی مسئله خلاقیت و ارائه راهکارهای کارآمد در پرورش استعدادهاى دانش‌آموزان در مکتب است. داده‌های این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای از کتاب‌های روان‌شناسی، روش‌های تدریس و آموزش، علوم تربیتی و نتایج کنفرانس‌ها گردآوری شده و سپس با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی تدوین شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، از حدود سال ۱۹۵۰ میلادی به بعد، روان‌شناسان دریافته‌اند که هوش با خلاقیت از یک مقوله نیست، لذا تحقیقات خود را در حوزه خلاقیت آغاز کردند. هرچند در گذشته توجه چندانی به این موضوع نشد، ولی مدتی است مورد توجه جدی قرار گرفته و پژوهش‌های خوبی صورت گرفته است. این پژوهش هم مروری بر یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های معتبر در زمینه خلاقیت است.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، آفرینندگی، حل مسئله، تفکر واگرا، راهکارهای کاربردی، تعلیم و تربیت

۱. گروه فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی فقه و اصول، جامعه المصطفی العالمیه، میدان وردک، افغانستان.
ایمیل: mahmadzadeh84@yahoo.com

۲. گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، میدان وردک، افغانستان

مقدمه

کودکان از بزرگ‌ترین سرمایه‌های هر کشور هستند؛ زیرا ثروت یک ملت و کیفیت زندگی آن در چند دهه آینده را می‌توان بر اساس وضعیت کودکان، آموزش و توانایی‌های آنان برای حل مشکلات خود، خانواده، جامعه و کشورشان پیش‌بینی کرد. آموزش و پرورش دارای دو حیث است که یکی نقطه وصل به اهداف و دیگری رشد و انکشاف جامعه است. (سعیدی، ۱۳۸۶: ۴) از این رو آموزش و یادگیری، این توانایی‌ها را شکوفا می‌کند و در آموزش ابتدایی هدف‌های چندگانه‌ای دنبال می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها آموزش مهارت‌های فکری پایه و گسترش افق فکری کودکان است. برای تحقق این هدف باید به «رشد تفکر خلاق کودکان» توجه کرد. هرچند توانایی تفکر خلاق به‌طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است؛ اما ظهور خلاقیت مستلزم پرورش آن است. تردیدی نیست که مهم‌ترین نقشی که معارف می‌تواند در تعلیم و تربیت کودکان ایفا کند، پرورش توانایی خلاقیت آن‌ها است. وقتی مهارت‌ها و انگیزه خلاقیت در کودک پرورش یابد، امکان بروز خلاقیت او در بزرگسالی بسیار بیش‌تر می‌شود. در این مورد «تورنس» (۱۹۵۹) اظهار می‌دارد که طی ۵۱ سال تجربه و مطالعه در آموزش تفکرات خلاق، شواهدی یافته که نشان دهنده آموزش‌پذیر بودن خلاقیت است.

اغلب جوامع مدت‌هاست که برای استفاده از شیوه‌های آموزش خلاق به برنامه‌ریزی جدی پرداخته‌اند. در جامعه روبه رشد ما نیز توجه به این مسئله نقش حیاتی دارد؛ زیرا برای رسیدن به پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و استفاده از فناوری دیجیتال، امکانات آموزشی پیشرفت کرده است. (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۸۰) از این رو نیازمند وجود افراد مستعد و خلاق هستیم. پس باید به تحقیقات وسیعی درباره خلاقیت، ماهیت آن و راه‌های پرورش و توسعه آن پردازیم. پژوهش حاضر در همین راستا است و بر اساس حساسیت و اهمیت موضوع، درصدد شناسایی خلاقیت و شیوه‌های آن و پرورش خلاقیت برآمده است. البته خلاقیت، معمولاً یک کشف ناگهانی و سریع است، ولی به زمینه و بستر اولیه نیاز دارد. خلاقیت، فرایندی



مداوم و مستمر است و نوعی حالت بی‌قراری برای بشر تلقی می‌شود. بشر از طریق آن، خود را به جنب و جوش می‌آورد و از خود چیزهای تازه‌ای به ظهور می‌رساند. فرد خلاق، پذیرای اندیشه‌های تازه است. یک فرد خلاق فراسوی احساسات آنی در جریان است. (احمدزاده، ۱۳۸۳: ۷۲)

امروزه همه محققان بر این باورند که اساس قدرت انسان ناشی از «خلاقیت» او است و اهمیت خلاقیت و نقش زیربنایی آن در کلیه مسائل زندگی بر همگان آشکار است. کارل راجرز معتقد است که خلاقیت را نمی‌توان با فشار به وجود آورد، بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند، همان‌طور که زارع نمی‌تواند جوانه را از دانه بیرون آورد؛ اما می‌تواند شرایط مناسب برای رشد دانه را فراهم کند. به نظر ژان پیاژه اگر هدف اصلی آموزش و پرورش را پرورش انسان‌های توانا، خلاق، نوآفرین و کاشف بدانیم، وظیفه و رسالت سازمان‌های آموزشی و پرورشی است که با به کارگیری نیروهای مبتکر و نوآور و ارائه طرح‌های جدید و روش‌های نو، زمینه بروز این ویژگی‌های آدمی را در متعلمان و معلمان فراهم کرده و فضای مدارس را به فضای گرم و صمیمی، مؤثر و لذت‌بخش تبدیل کنند. بنابراین آموزش و پرورش برای رشد خلاقیت و نواندیشی در معلم و دانش‌آموز، به‌ویژه در دوره ابتدایی باید درک روشن و صحیحی از شرایط موجود به دست آورد. با این وجود می‌توان به‌خوبی دریافت که شرایط پرورش خلاقیت در صنف درس، مکتب، خانواده یا هر محل آموزشی دیگر باید به چه صورتی باشد تا با کمترین صرف وقت، انرژی، انگیزه و سرمایه در مسیر پرورش و شکوفایی خلاقیت و نواندیشی قرار گیرد.

به همین دلیل ما در اینجا مفهوم آفرینندگی یا خلاقیت و ویژگی‌های افراد خلاق و عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت، موانع پرورش خلاقیت و راهکارها و نتایج بررسی خواهیم کرد.

۱. معنای خلاقیت

خلاقه «نیرویی است که موجب خلق آثار بدیع گردد» (معین، ۱۳۷۱) و خلاقیت به معنای «به وجود آوردن، تولید کردن و موجب شدن» است. (آریانپور، ۱۳۷۰) با توجه

به این معانی، می‌توان خلاقیت را نوعی دانایی دانست که به ایجاد چیزی درخور منجر می‌شود. خلاقیت در اصطلاح متخصصان علوم تربیتی و روان‌شناسی نیز تعاریف متعددی شده است. در فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی آمده است: «تفکر خلاق تفکری است که مشخصه اصلی آن توانایی کنار گذاشتن فرض‌های غیر لازم و زایش افکار اصیل است». (برونو، ۱۳۷۰، ۸۲) استرنبرگ (۱۹۸۹) بر این باور است که «خلاقیت ترکیبی از قدرت ابتکار، انعطاف‌پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می‌سازد تا خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالاً خشنودی دیگران خواهد بود». (کفایت، ۱۳۷۳: ۶۲-۶۳) فرانکن (۲۰۰۵) معتقد است که «خلاقیت رویکرد خلق یا تشخیص ایده‌ها و احتمالاتی است که در حل مسئله یا در ارتباطات انسانی و سرگرم کردن خود و دیگران مفید است». (همتی، ۱۳۸۷: ۹) تورنس (۱۹۷۳) هم می‌گوید «خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسائل، کمبودها، مشکلات و خطاهای موجود در دانش، حدس زدن، تشکیل فرضیه‌هایی درباره این کمبودها، ارزشیابی و آزمایش این حدس‌ها و فرضیه‌ها و احتمالاً اصلاح و آزمودن مجدد آن‌ها و در نهایت نتیجه‌گیری». (کفایت، ۱۳۷۳: ۶۹)

در مجموع، بیشتر دانشمندان خلاقیت را نوعی توانایی در وجود انسان‌ها می‌دانند که در محیط‌هایی مساعد بروز می‌کند و باعث خلق اثری تازه می‌شود. بنابراین می‌توان تعریف زیر را از مجموع تعاریف ذکر شده انتخاب کرد: «خلاقیت، عبارت است از توانایی بالقوه در به وجود آوردن چیزهایی تازه و نوی که در وجود انسان‌هاست که در شرایط متعدد بروز می‌کند». (زمانی پور، ۱۳۹۷: ۳۴)

بحث در نتایج

تورنس که تحت تأثیر چهارچوب نظری گیلفورد است، خلاقیت را مرکب از چهار عامل اصلی می‌داند که عبارتند از:



۱. سیالی^۱: توانایی تولید تعداد بی شماری ایده در قالب تصویر با فرض پاسخ و عقیده در مورد آن؛

۲. ابتکار^۲: توانایی تولید ایده‌هایی که از ایده‌های عادی و رایج متفاوت است؛

۳. انعطاف‌پذیری^۳: توانایی تولید انواع گوناگون و متنوع ایده‌ها در قالب تصویر و ارائه راه‌حل‌های نو؛

۴. بسط^۴: توانایی اضافه کردن جزئیات یا تکمیل ایده‌های تصویر. (کفایت، ۱۳۷۳: ۶۹)

به زبان ساده می‌توان گفت خلاقیت عبارت است از به‌کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید از مضامین بکار گرفته‌شده در تعاریف فوق چنین برمی‌آید که اولاً ماهیت خلاقیت به چگونگی تفکر انسان و نتیجه آن بستگی دارد و ثانیاً مشتمل بر یافتن راه‌ها و روش‌های جدید و مؤثر است. بنابراین بدون وجود سه ویژگی اساسی ذهنی بودن،^۵ نوبودن،^۶ مؤثر بودن^۷ نمی‌توان لفظ خلاقیت را بر یک فرآیند و فعالیت ذهنی یا عملکرد اطلاق نمود؛ از آنچه ما به‌عنوان خلاقیت و تفکر خلاق^۸ نام می‌بریم، شامل یک فرآیند ذهنی و نتیجه نوع فکر انسان است.

۲. ویژگی‌های افراد خلاق

اینکه افراد آفریننده یا خلاق چه ویژگی‌های شخصیتی دارند، نظرهای متعددی ابراز شده است. استاین (۱۹۷۴) مطالعات انجام شده درباره ویژگی‌های افراد آفریننده را مورد بررسی قرار داده و برای آنان ویژگی‌های زیر را یافته است: انگیزه پیشرفت سطح بالا، کنجکاوی فراوان، علاقه‌مندی زیاد به نظم و ترتیب در کارها، قدرت ابراز وجود و خودکفایی، شخصیت غیرمتعارف، غیررسمی، و کامروا، پشتکار و انضباط در

1. Fluency
2. Originality
3. Flexibility
4. Elaboration
5. Mental
6. New (Innovative)
7. Effective
8. Creative thinking

خلاق در فرد و گروه مشابه یکدیگر است.

۴. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

برای پرورش خلاقیت عوامل متعددی دخیل است که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم و هرکدام را تا حدودی شرح خواهیم داد.

۴-۱. خانواده

در کنترل و هدایت تخیل و ظهور خلاقیت‌ها و در آموزش و تعلیم و تربیت فرزندان، خانواده مهم‌ترین نقش را دارد. لذا خانواده‌ها باید فرصت‌های لازم را برای سؤال کردن، کنجکاوی و کشف محیط برای فرزندان خود فراهم آورند. والدین در منزل ابتدا به مطالعه بپردازند، سپس برای کودکان هم‌سن کتب مختلف تهیه نمایند. بررسی‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کار مطالعه و خواندن نه تنها موجب فعالیت و خلاقیت مغزی می‌گردد، بلکه قدرت درک تصاویر و نیز استعداد خیال‌پردازی و تصورات ذهنی را نیز شکوفا می‌گرداند. مشاهدات پژوهشگران نشان می‌دهد، کودکانی که والدین آن‌ها با فراهم ساختن کتاب‌های لازم و مناسب آنان را به خواندن وامی‌دارند، کودکان پدرانی که خود نیز اهل مطالعه هستند و نیز کودکانی که کمتر تلویزیون مشاهده می‌کنند به نسبت دیگر کودکان هم‌سن و هم‌طراز خود از قدرت اندیشه و خلق ذهنی و خیال‌پردازی به مراتب بالاتر هستند. (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۵۷)

معلم زمانی می‌تواند استعدادها را شکوفا سازد که با والدین ارتباط داشته باشد و پیشنهادهایی را برای خلاقیت در خانه ارائه دهد. خانواده به کودکان آزادی بدهد (البته در چارچوب آن)، به آن‌ها به‌عنوان یک فرد احترام بگذارند، از نظر عاطفی در حد اعتدال به آن‌ها نزدیک شوند و بر روی ارزش‌های اخلاقی و نه قوانین خاص، تأکید نمایند. خانه را به‌صورت مکانی درآورند که اقتدار در آن مورد سؤال قرار گیرد، فعالیت، بازی و خنده و فانتزی به مقدار زیاد وجود داشته باشد. شما و کودکانتان سعی کنید کارها را به روش‌های جدید و جالب انجام دهید. کارهای خلاقانه در خانه نیازمند حمایت والدین و نیز مشارکت آنان و تشویق فرزندان دارد. (احمدزاده، ۱۳۸۳: ۷۸)



۲-۴. محیط مکتب

مؤثرترین برنامه‌ها در زمینه پرورش خلاقیت در محیط مکتب کارهای خلاقانه است. (فرهادیان، ۱۳۹۵: ۱۸) یادگیری مؤثر به میزان درک واحد آموزشی از آموزش‌های خلاقانه بستگی دارد. لذا اگر مربیان، معتقد باشند که کودکان باید در یادگیری فعال باشند و واجد احساس مالکیت و غرور نسبت به صنف درس خود، خلاقیت آن‌ها بالا خواهد رفت. هم‌چنین حل خلاق مسائل یا یادگیری خلاقانه می‌تواند یادگیرندگان را یاری دهد. (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۷) مسئولین مکتب تا حد امکان از پاداش‌های آشکار اجتناب نمایند. جایزه‌هایی به‌عنوان پاداش پس از انجام کار، نه به‌عنوان وعده، چیزی که از پیش به کودکان داده می‌شود به آن‌ها بدهید. کودکان را هم‌راهنمایی کنید و هم به آن‌ها اختیار بدهید. از فعالیت‌های آموزشی بی‌ساختار در درون یک ساختار استفاده کنید.

۳-۴. معلم

شغل معلمی، دو پیش‌نیاز اصلی دارد که عبارتند از علاقه به تدریس و ایجاد علاقه در شاگردان. در این دو صورت است که معلم، می‌تواند شاگردان خلاق بار آورد. (پارسا، ۱۳۷۱: ۲۴۲) بدون شک نیروی انسانی و به‌ویژه معلم از مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده محیط‌های آموزشی است و به لحاظ اهمیت نگرش و روش تدریس معلم در فرایند فعالیت‌های آموزشی و درنهایت، تأثیر آن در روند یادگیری و بروز خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر چشمگیری دارد. معلم با شناخت امکانات به تجهیز مناسب محیط آموزشی می‌پردازد، محیط و امکانات آموزشی را سازمان‌دهی می‌کند، موقعیت آموزشی مناسب را به وجود می‌آورد و با شناخت استعداد، علایق و توانایی شاگردان آنان را در طریق صحیح یادگیری هدایت می‌کند. (فرهادیان، ۱۳۹۰: ۲۷)

البته چنین نقشی به دانش و اعتقادات معلم بستگی دارد. روش تدریس معلم خلاق، متناسب با اصول آموزش و پرورش و خصوصیات شاگردان انتخاب شود؛ زیرا وظیفه اساسی معلم فقط درس دادن و سپس گرفتن درس نیست، بلکه مهم‌ترین وظیفه او همکاری و راهنمایی یکایک شاگردان برای رسیدن به هدف‌های مطلوب تعلیم و



تربیت است. (شعبانی، ۱۳۸۲: ۸۱) با توجه به قدرت یادگیری کودکان و توانایی آنان در بیان دیدگاه‌های خود در مورد پدیده‌ها، هر معلمی باید به منظور ایجاد محیطی مناسب برای شکوفایی خلاقیت کودکان به عوامل زیر در صنف توجه داشته باشد:

۱. زمان: کودکان برای کند و کاو در مسائل و انجام دادن نهایت تلاش خود به زمانی طولانی و فارغ از تعجیل نیاز دارند. وقتی کودکان سرگرم انجام دادن کاری خلاق هستند، معلم نباید در همان وقت از آنان بخواهد تا کار دیگری انجام بدهند.

۲. مکان: کودکان به مکانی نیاز دارند که کارهای ناتمام خود را در آنجا قرار بدهند تا روز بعد به ادامه آن پردازند. آنان همچنین به محیطی شورانگیز و مشوق نیاز دارند که انگیزه لازم را برای ارائه بهترین تلاش در آنان ایجاد کند.

۳. وسایل و مواد آموزشی: با توجه به اینکه در کشور ما امکانات و وسایل کمک آموزشی در حد پایین است، لذا یک معلم، باید برای آموزش و تدریس از امکانات موجود استفاده بهینه کند و در امر استفاده از وسایل دست ساخته و آماده مراحل ذیل را به کاربرد:

خود را آماده کنید یعنی یک بار خودتان فعالیت را انجام دهید و نتیجه، قطعی باشد؛

محیط را آماده کنید: وسایل را در برجایشان قرار دهید؛

صنف را آماده کنید: ابتدا معرفی رسانه و نحوه کار و...؛

از رسانه استفاده کنید؛

پیگیری کنید: بحث و بررسی کنید در مورد استفاده از وسایل و امکانات آموزشی.

(احدیان، ۱۳۸۱: ۹۶)

۴. جو و فضای صنف: جو صنف به مجموعه‌ای از ویژگی‌های درونی نسبتاً پایدار موجود در مکتب و صنف گفته می‌شود که آن را از سایر صنف‌ها و مکاتب جدا می‌کند. (کدیور، ۱۳۹۳: ۳۰۹) سؤالی که از نظر عملی بسیار مورد توجه مربیانی است که با خلاقیت سروکار دارند این است که تا چه حدودی جو صنف به رفتار خلاق دانش آموزان مربوط می‌شود (امام‌قلی، ۱۳۸۱: ۸) معلم باید در صنف جوی

ایجاد کند که دانش‌آموزان از اشتباه کردن و خطرپذیری (ریسک کردن) هراس نداشته باشند. جوّ صنف باید آزادمنشانه باشد و در دانش‌آموزان انگیزه لازم را برای فعالیت و شکوفاسازی خلاقیت ایجاد کند. ایجاد چنین جوّی مستلزم آن است که معلمان، با وجود نداشتن پیشینه آموزش رسمی در هنر، به فعالیت‌های هنری بپردازند. معلمان، می‌توانند با شرکت در کارگاه‌ها، صنف‌های آموزش به این مهارت دست یابند.

۵. ایجاد فرصت‌های لازم: بهترین یا مهیج‌ترین آثار کودکان، در زمینه ارتباط عمیق آنان با جهان درون و یا جهان پیرامون آنان است. معلمان، فرصت‌های مناسب برای ماجراجویی کودکان را فراهم می‌آورند. برای کودکان، دست زدن به کاری خلاقانه بدون برخورداری از یک منبع الهام ملموس و عینی دشوار است و آنان ترجیح می‌دهند به شواهد مستقیم، حواس و خاطرات خود تکیه کنند. کودکان با کمک معلمان خود به آسانی می‌توانند به این خاطرات دست یابند. معلم باید یک تصویر ذهنی روشن و ثابت از کودک خود به عنوان یک بزرگسال به دست آورد و اطمینان یابد که این تصویر ذهنی با شخصیت منحصر به فرد کودک شما متناسب باشد. خلاقیت واقعی بدون قدری شور و هیجان غیر ممکن است.

۴-۵. عامل تحصیل

تحقیقات علمی نشان می‌دهد که هوش خارق‌العاده معادل با داشتن استعداد خلاقیت نیست. دانش‌آموزانی که دارای هوش زیادتر هستند، الزاماً افرادی که ابداعی‌ترین ایده‌ها را خلق می‌کنند، نیستند. کودکانی که در صنف بهترین نمرات را می‌آورند، در کارهای حافظه‌ای رکود خوبی به دست می‌آورند، ولی این بدان معنا نیست که آنان در خلق ایده‌های جدید نیز به همان اندازه هستند. در حقیقت تحصیلات عامل اساسی نیست و بسیاری از افراد تحصیل کرده از لحاظ خلاقیت بی‌بار هستند، در حالی که بسیاری از افراد با وجود فقدان کامل تحصیلات رسمی، موفقیت‌های برجسته‌ای در این زمینه دارند. تاریخ نشان داده است که ایده‌های بزرگ از افرادی که در زمینه مربوطه فاقد آموزش بوده‌اند، به دست آمده است. تلگراف به وسیله مورس اختراع شد که یک نقاش حرفه‌ای بود و یک معلم به نام وتینی،

مخترع ماشین پنبه پاک کنی بود.

۴-۶. عامل کوشش و تلاش

در زمینه مؤثر بودن خلاقیت نه وسعت دانش و نه نیروی استعداد ما به اندازه نیروی محرک تأثیر ندارد. دقت در زندگی افرادی که استعداد خلاقیت زیاد دارند نشان داده است که راز موفقیت آنان به آن اندازه که در انرژی فکری شان است، در استعداد خلاقیت آنان نیست. (الکس اسپورن، ۱۹۹۵)

از نظر صرفاً فیزیولوژیکی ما استعداد فکری بسیار زیادتری از آن داریم که در سراسر عمرمان مورد استفاده قرار می دهیم. حتی اگر مغز خود را تا حد گنجایش آن به کار ببریم، غالب مراکز مغز ما دوقلو هستند. لونی پاستور یک سکنه مغزی کرد که نیمی از مغز وی از بین رفت. مع ذلک پس از سکنه به بعضی از بزرگترین کشفیات خود نائل آمد. پیچیدگی مغز بشر فوق العاده است. درباره پیچیدگی مغز بشر همین بس که تمام سیستم اعصاب مورگلون که قدرت سازمان دهی آنان مشهور است، فقط دارای ۲۵۰ سلول عصبی است. در حالی مغز بشر شامل ۱۰ میلیارد از چنین سلول هایی است. تقریباً همه ما دارای گنجایش مغزی بسیار بالاتری از حدی که بتوانیم به کار ببریم، هستیم. در خلاقیت ها این نیروی محرک است که چنان نامساوی است نه درجه استعداد ذاتی. (الکس اسپورن، ۱۹۹۵)

۴-۷. عامل جنسیت

ممکن است زنان در قدرت جسمی ضعیف تر از مردان باشند؛ اما نه در قدرت تصور. آزمایش های متعدد نشان داده است که در زمینه خلق ایده های بدیع، زنان استعداد بیشتری دارند. پرفسور لهان در مطالعه خود نشان داده است که رکورد خلاقیت قابل توجه بین مردان بیش از زنان است؛ اما فقط در چند دهه اخیر زنان فرصت بیشتری بوده تا بال های خلاقیت خویش را بگسترانند. پس اگر موقعیت برای زنان هم همانند مردان مهیا بود، بدون شک زنان نه خیلی برتر و خلاق تر، بلکه همسان مردان در عرصه محصولات ناشی از خلاقیت موفق می شدند.





دکتر پال ترنس استاد دانشگاه مینوسیتا در آمریکا یک مطالعه تحقیقاتی تحت عنوان «تشخیص نقش جنسیت در تفکر خلاق» انجام داد که تفاوت مهمی بین امتیازهای خلاقیت کلی و هیچ‌کدام از امتیازهای جنسیت برای زن یا مرد نشان داده نشده است. به همین ترتیب دکتر جی یک میلیون استاد دانشگاه استانفورد یک مطالعه تحقیقی درباره «اثر شناسایی رل جنسیت بر روی مهارت حل مسئله» انجام داد. در یک نتیجه‌گیری این تحقیق بیان شده است که مردان با خصوصیات مذکر مسائل را بهتر و با سهولت بیشتری از مردان با خصوصیات مؤنث حل می‌کنند. (الکس اسبورن، ۱۹۹۵)

۴-۸. عامل اطلاعات

اطلاعات یکی از عوامل اصلی خلاقیت و ماده خام آن است. اگر یک قطب خلاقیت را جریان و فعالیت ذهنی بدانیم، قطب دیگر آن معلومات و اطلاعات از اشیا و امور است. خلاقیت مهارتی است که می‌تواند اطلاعات را به هم پیوند دهد، عوامل جدید اطلاعاتی را در شکل تازه‌ای ترکیب کند و تجارب را با اطلاعات برای ایجاد جواب‌های منحصر به فرد مرتبط سازد.

۴-۹. عامل هوش

می‌دانیم که در کودکانی که از هوش بیشتری برخوردار هستند، در زندگی خانوادگی، کار، زندگی اجتماعی و سازش با محیط موفق‌تر از دیگران هستند. هرچند بهره هوشی بالا به حدی خود، شرط کافی برای خلاقیت بالا نیست؛ اما به نظر می‌رسد تا حدودی شرط لازم است. افرادی معدودی دارای خلاقیت زیاد و درعین حال دارای هوش پایین هستند و در واقع چنین برآورد شده است که حداقل بهره هوشی لازم برای خلاقیت بالاتر از ۱۲۰ است که میزان آن بنا بر ماهیت فعالیت خلاق تغییر می‌کند.

۵. راه‌های پرورش خلاقیت

هرچند توانایی تفکر خلاق و آفرینندگی به‌طور بالقوه و فطری در انسان به ودیعه نهاده شده؛ اما ظهور خلاقیت، مستلزم شناخت و پرورش آن است. بیشتر پژوهش‌های



انجام شده در زمینه خلاقیت این نتیجه گیری را نموده اند که خلاقیت را هم می توان آموزش داد و هم پرورش. «تورنس» نتایج ۱۴۲ پژوهش را ذکر می کند که همه آنها بیانگر این واقعیت است که خلاقیت را می توان آموزش و پرورش داد. از راه های مختلف، می توان خلاقیت های کودکان را بارور ساخت از جمله:

۱. ایجاد شرایط مناسب برای بروز خلاقیت در کودکان: اولین گام در پرورش خلاقیت کودکان، به وجود آوردن شرایط مناسب در محیط خانوادگی و آموزشی است. بنابراین پیش از هر اقدامی باید زمینه بروز خلاقیت را فراهم کنیم، سپس به پرورش و شکوفایی آن پردازیم.

۲. پرورش حس کنجکاوی در کودکان: کنجکاوی، به صورت فطری و غریزی در همه افراد موجود است و همین امر نشان می دهد که در نهاد همه انسان ها میل به خلاقیت، نوآوری و کشف مطالب جدید وجود دارد؛ اما تحول کنجکاوی کاملاً اکتسابی و محیطی است. همه انسان ها کنجکاو به دنیا می آیند، ولی اگر به حس کنجکاوی آنان توجه نشود و به سوالات کنجکاوانه آنها پاسخ های مطلوب داده نشود، این حس به تدریج از بین می رود و به حداقل می رسد؛ زیرا کنجکاوی خمیرمایه خلاقیت است و بین کنجکاوی و آفرینش رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

۳. تقویت اعتماد به نفس و احساس خود ارزشمندی در کودکان: هر قدر اعتماد به نفس و احساس خود ارزشمندی بیشتر تقویت شود، امکان بروز تفکرات نو و تازه بیشتر فراهم خواهد شد. کودکان و نوجوانان باید احساس کنند که عقاید و نظراتشان توسط پدر، مادر و معلم مورد احترام قرار می گیرد. چنین وضعیتی اعتماد به نفس کودکان را برای مستقل اندیشیدن افزایش می دهد، امری که رشد خلاقیت را در آنان ارتقا می دهد.

۴. ایجاد فرصت برای یادگیری و اکتشاف در کودکان: خلاقیت از طریق آزمایش، کندوکاو و تجربه توسعه می یابد، بنابراین می بایست فرصت های کسب تجربه و انجام آزمایش و ایجاد کنجکاوی را برای کودکان فراهم کرد. تا ضمن احساس استقلال در انجام مارها، راه حل ها و عقاید غیر معمول را نیز بیازماید.

۵. زدودن ترس از بیان افکار و اندیشه ها در کودکان: یکی از دلایل رکود ذهن، ترس از عدم



پذیرش دیگران است. ترس عاملی بازدارنده است که شخص را وادار می‌سازد تا افکار و اندیشه‌های بدیع خویش را تحت کنترل درآورد تا مورد قبول واقع شود. بنابراین یکی از راه‌های پرورش خلاقیت در کودکان تشویق به بیان آزادانه اندیشه‌ها، افکار و احساسات و زدودن ترس از بیان راه‌حل‌های غیرمعمول است.

۶. تشویق دستاوردهای خلاق کودکان: تشویق و تقویت رفتارهای خلاق کودکان باعث نیرومندی این رفتارها می‌شود. مشکل اساسی مدارس این است که اندیشه‌ها و تفکرات خلاق یادگیرندگان به سبب غیرمعمول بودن، نه تنها تشویق نمی‌شود، بلکه مورد ایراد و سرزنش نیز قرار می‌گیرد. دادن فرصت به کودکان برای ارائه اندیشه‌های خود یکی از مهم‌ترین اصول پرورش تفکر خلاق و آفرینندگی است.

۷. توجه به برنامه‌های درسی (اهداف، محتوی، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی): برنامه درسی محور مرکزی همه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی است. از آنجاکه هر برنامه درسی شامل اهداف، محتوی، روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی است، در طراحی برنامه درسی باید همه این محورها مورد توجه قرار گیرد. اهداف برنامه درسی باید با توجه به نیازها، علایق و توانایی‌های فراگیران و متناسب با شرایط و امکانات موجود و با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان تعیین شود. محتوای دروس باید با استفاده از مسائل قابل لمس و روزمره زندگی کودکان تهیه شود. روش‌های یاددهی و یادگیری متناسب با موضوع و موقعیت درسی مورد استفاده واقع شود. از نتایج ارزشیابی در جهت تشویق و ترغیب به یادگیری بیشتر و رفع اشکالات و ایجاد علاقه به رشد و پیشرفت به بهترین وجه استفاده شود.

۸. فعال بودن دانش‌آموز در جریان یادگیری: بُعد اصلی در آموزش، استفاده فعالانه از نیروی ابتکار و استعدادهای فکری کودک در امر یادگیری است. دانش‌آموزی که تا به حال نقش شنونده و غیرفعال را در صنف به عهده داشته است، باید تبدیل به فرد گوینده و فعال شود و نقش عمده به او واگذار شود. معلم تنها به عنوان یک راهنما در معرفی منابع مختلف، طرح مسائل، تهیه نقشه و بررسی و آزمایش افکار و نظریات به شاگردان کمک کند. فعالیت شاگرد سبب پرورش استعدادهای او می‌شود. قدرت



ابتکار و تفکر خلاق را در او رشد می‌دهد.

۹. استفاده از بازی‌های آموزشی: بازی شیوه برخورد با زندگی است. به اعتقاد (بوسکه) انگیزه بازی را می‌توان کنجکاوی یا کاوشگری دانست و ممکن است در مورد همه چیز صادق باشد. گفتگو، پدید آوردن یک اثر هنری، گردش، کار در آزمایشگاه، مطالعه، حل مسئله و... خلاصه اینکه همه فعالیت‌های زندگی را می‌توان با بازی تجربه کرد و شور و شعف زندگی را افزون ساخت. لذا یکی از راه‌های پرورش خلاقیت در کودکان، انجام بازی‌های آموزشی به صورت هدف‌دار است.

۱۰. توجه جدی به درس هنر در پرورش خلاقیت کودکان: هنر، فعالیتی است که در جوهره آن تفکر و اگر نقش و هدایت اساسی را ایفا می‌کند. هنر، از آنجایی که درهم تنیدگی اساسی با خلاقیت دارد و از آنجایی که خلاقیت نیز در بطن خود عنصری از نوگرایی و تازه‌جویی را نهفته دارد، برای ظهور و بروز، نیازمند به‌کارگیری استعداد‌های تفکر و اگر ایانه است و این همان نقطه قوت درس هنر است.

۶. موانع خلاقیت

هرکس، می‌تواند از استعداد خلاقیت برخوردار باشد و فقط در انحصار افراد خاصی نیست. در واقع جلوگیری از عوامل بازدارنده ظهور خلاقیت، مهم‌تر از وجود استعداد خلاقیت است. (متین، ۱۳۷۱) موانع اصلی خلاقیت عبارتند از:

۱. فقدان اعتماد به نفس: کودکی که اعتماد به نفس ندارد، نمی‌تواند در برابر دیگران توانایی‌های خود را بروز دهد.
۲. ترس از انتقاد و شکست: ترس از بیان افکار و عقاید خود و دغدغه مورد تمسخر دیگران قرار گرفتن، نیز یکی از عوامل بازدارنده بروز رفتارهای خلاقانه است.
۳. داشتن خودانگاره منفی: اصلی‌ترین عاملی که مانع بروز رفتارهای خلاقانه می‌شود، این است که تصور کنیم آدم خلاق نیستیم. به کلامی دیگر، اگر شما به خودتان بگویید: «من آدم خلاق هستم»، در این صورت خود را مجبور می‌کنید که باورهایی در مورد خودتان داشته باشید که هویت شما را تأیید کند.



۴. فشار روانی: فشار روانی یا استرس، نیرو و توان فرد را که در شرایط عادی می‌تواند از آن خلاقانه بهره بگیرد، زایل می‌کند و سلامت جسمانی او را نیز به مخاطره می‌اندازد. (صیامی، ۱۳۸۱: ۸۴) عواملی از قبیل تمایل به هم‌رنگی با جماعت، فقدان تمرکز ذهنی، عدم توانایی در تحمل ابهام و تضاد، کم‌رویی و عدم انعطاف، متعهد نبودن و عدم استفاده از دو نیم‌کره مغز. اگر بخواهیم، خلاقیت و نوآوری را افزایش دهیم، باید این موانع را برطرف کنیم. خلاقیت فردی را با مشاوره و هدایت نیز می‌توان تقویت کرد. تعامل گروهی، فکرها را به فعالیت وامی‌دارد؛ زیرا افراد یکدیگر را برمی‌انگیزانند. سؤالات و پیشنهادها مطرح شده در جمع، توجه هر شرکت‌کننده را به‌سوی فرایند خلاقیت هدایت می‌کند و این آگاهی را به وی می‌دهد که فکرهایی هست که باید با جست‌وجو بدان‌ها دست‌یافت و دستیابی بدان، نتیجه هوش و استعداد فرد نیست، بلکه حاصل کاری سخت و طولانی بر روی موضوع است. در مدارس آیین‌نامه‌های موجود در آموزش و پرورش نیز به گونه‌ای است که از بروز هر گونه اقدام و تفکر خلاق ممانعت به عمل می‌آورد. (عزلی مقدم، ۱۳۸۱: ۴۲)

۷. پیشنهادهای کلی

۱. تشویق کودکان به تصور، کشف و امتحان مسائل جدید؛ زیرا آزمون اولین مرحله‌ای است که کودک از طریق آن به خلاقیت می‌رسد.
۲. با توجه به مؤثریت الگوی فرزندپروری قاطعانه، زمینه ساز بسیاری از موفقیت‌ها است، باید راهکارهای تقویت آن در خانواده‌ها در نظر گرفته شود.
۳. ترغیب طرف‌های مرتبط با یادگیری و آموزش برای ایجاد مواد آموزشی خاص که حاوی فعالیت‌های متنوعی است که تفکر خلاق دانش‌آموزان را توسعه می‌دهد.
۴. ایجاد همکاری بین خانواده‌ها و مکاتب به گونه‌ای که هر دو از رخصتی‌های زمستانی استفاده کنند. بنابراین مکاتب دوره‌ها و جلسات تخصصی برگزار کنند که توانایی‌های خلاقانه‌ای را که متناسب با سطوح و کیفیت رشد کودکان در هر مرحله است، افزایش یابد.



۵. بررسی سایر متغیرها مانند جنسیت و سطح تحصیلات والدین و ارتباط با خلاقیت فرزندان و همچنین طراحی پروپوزال آموزش در این زمینه.
۶. انجام مطالعات بیشتر که تأثیر محیط مکتب را بر سطوح خلاقیت دانش‌آموزان در افغانستان آشکار کند. انجام مطالعات بیشتر در رابطه با تحلیل دلایل سبک محافظت بیش از حد و تأثیر آن بر خلاقیت، انجام مطالعات مربوط به سبک‌های تربیتی والدین برای دانش‌آموزان و ارتباط آنها با خلاقیت از دیدگاه دانش‌آموزان.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان چنین نتیجه گرفت: ۱. خلاقیت کیفیتی است که در همه انسان‌ها وجود دارد؛ اما ظهور آن، مستلزم پرورش است؛ ۲. مهم‌ترین گام در پرورش خلاقیت، ایجاد شرایط محیطی مناسب است؛ ۳. خانواده و مکتب، مهم‌ترین نقش را در ظهور خلاقیت کودکان دارند؛ ۴. مهارت‌ها و توانایی‌های خلاقیت در فرد به یکباره حاصل نمی‌شود؛ ۵. برای رشد خلاقیت برخوردار از اعتماد به نفس کاملاً ضروری است؛ ۶. خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کنکاش رشد می‌کند. بنابراین باید فرصت‌های یادگیری و تجربه عملی برای کودکان فراهم کرد؛ ۷. خلاقیت کنجکاوی و تمایل به دانستن و تجربه امور تازه و ناشناخته است. لذا به کنجکاوی کودکان باید بها داده شود؛ ۸. اندیشه‌ها و دستاوردهای خلاق کودکان را باید تشویق کرد؛ ۹. برای رشد و پرورش خلاقیت، باید به درس و ورزش و هنر توجه خاصی نمود.

فهرست منابع

۱. احدیان، محمد. (۱۳۸۱). مقدمات تکنولوژی آموزشی، تهران: ناشر بشری.
۲. احمدزاده، محمدعالم. (۱۳۸۳). معلم، بازگشت و انتظارات، قم: انتشارات حضور.
۳. آمابلی، ترزا. (۱۳۷۷). شکوفایی خلاقیت کودکان، (ترجمه: دکتر حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی)، تهران: نشر دنیای نو.
۴. امامقلی، فاطمه. (۱۳۸۰). خلاقیت و راه‌های افزایش آن در دانش‌آموزان، رشد تکنولوژی آموزشی، سال ۱۸، شماره ۶۳۱.
۵. برونو، فرانکو. (۱۳۷۰). فرهنگ توصیفی روانشناسی، (ترجمه: مهشید یاسایی و فرزانه طاهری)، تهران: طرح نو.
۶. پارسا، محمد. (۱۳۷۱). روان‌شناسی تربیتی، تهران: نشر بعثت.
۷. تورنس، پال. (۱۳۵۷). استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آن‌ها، (ترجمه: حسن قاسم‌زاده)، تهران: نشر دنیای نو.
۸. حسینی، سید افضل السادات. (۱۳۹۷). خلاقیت آموزشی مقایسه نظام‌های آموزشی استرالیا، ژاپن و ایران، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی
۹. زمانی پور، محمدحسن. (۱۳۹۷). ما و خلاقیت، رشد معلم، سال نوزدهم، بهمن، شماره ۵، ص ۳۴.
۱۰. سعیدی، محمد ظریف. (۱۳۸۶). مبانی تدریس برای آموزگاران، کابل: انتشارات فیصل
۱۱. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، ص ۱۹۵. تهران: انتشارات آگاه.
۱۲. شعبانی، حسن. (۱۳۸۲). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران: ناشر سمت.
۱۳. صیامی، توحید (۱۳۸۱). نقش معلمان و والدین در شکوفایی خلاقیت کودکان، رشد تکنولوژی آموزشی شماره ۶۳۱.





۱۴. طباطبایی، صادق. (۱۳۷۷). طلوع ماهواره و افول فرهنگ چه باید کرد، تهران: بی‌نا.
۱۵. عزلتی مقدم، فاطمه. (۱۳۸۰). جایگاه و نقش دوره ابتدایی در تعلیم و تربیت کودک، قم: ناشر اداره کل آموزش و پرورش.
۱۶. فرهادیان، رضا. (۱۳۹۰). مبانی، شاخصه‌ها، اصول و روش‌های مکتب مطلوب، قم: مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید.
۱۷. فرهادیان، رضا. (۱۳۹۵). معلم محبوب، شرایط مقبول، مکتب مطلوب (راهبردهای عملی)، قم: مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید.
۱۸. کدیور، پروین. (۱۳۹۳). روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات سمت
۱۹. کفایت، محمد. (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه‌ها و نگرش‌های فرزند پروری با خلاقیت دانش آموزان سال اول دبیرستان‌های اهواز.
۲۰. متین، نعمت‌الله و دیگران. (۱۳۷۷). چکیده پژوهش‌های برتر سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷، تهران: نشر پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۲۱. مرادی، صمد علی. (۱۳۹۸). نوآوری در آموزش، کابل: مؤسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان
۲۲. معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، تهران: بی‌نا.
۲۳. همتی، امیر. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی موانع شخصی خلاقیت از دیدگاه دبیران مرد و زن ناحیه ۲ شهر ارومیه.